

# اثرات تحریم بر جامعه مدنی

گفتگوی هومن عسگری از "عرصه سوم" با مهرداد درویش پور

اگر تحریم در سطح باقی می‌ماند یک مسئله بود. اما در واقع تحریم‌ها زمینه‌ساز حمله نظامی است. یعنی زمینه مشروعیت حمله نظامی را برای قدرت‌ها و به ویژه آمریکا فراهم می‌کند. اگر حکومت با تحریم گسترده اقتصادی و ادار به عقب نشینی نشود، گفته خواهد شد که ما از همه روش‌ها استفاده کردیم به نتیجه نرسید بنابراین حمله می‌کنیم. در نتیجه در شرایط تهدید و جنگ دیگر فضایی برای فعالیت‌های مردم و جامعه مدنی باقی نخواهد ماند.

تحریم‌ها به عنوان یک ابزار فشار اقتصادی و سیاسی در برابر دولت‌ها و نظام‌ها استفاده می‌شود. این ابزار در صورتی که به درستی و به موقع استفاده شود، می‌تواند به تغییر رفتار و سیاست‌های طرف مقابل منجر شود. اما در صورتی که طرف مقابل به تحریم‌ها واکنش مناسبی نشان ندهد، تحریم‌ها می‌تواند به تضعیف اقتصاد و افزایش فقر در کشور منجر شود.

**تحریم‌های وضع شده توسط غرب به منظور محدود سازی برنامه هسته ای ایران چه تأثیری بر روی بخش‌های جامعه مدنی کشور داشته است؟**

درویش پور: ابعاد این تحریم‌ها گسترده است. ساده ترین و کوچکترین نمونه آن دانشجویان ایرانی هستند که به قصد ادامه تحصیل از ایران به غرب آمده اند و هزینه شان را خانواده ها تأمین می کنند. با افزایش سرسام آور قیمت دلار هزینه های زندگی این دانشجویان بسیار بالا رفته و معیشت را برایشان دشوار کرده که نمونه ای در زمینه فشار اقتصادی است.

در همین حال، حوزه عملکرد نهادهای مدنی بسیار محدود شده، فشارهای اقتصادی، گرانی و کمبود کالاها زندگی روزمره افراد را تا حدودی مختل کرده. در ارتباط با کارگران حقوق‌های معوقه، گسترش بیکاری و فقر فزاینده که پیشتر نیز با آن روبرو بودیم شدت یافته است. حکومت بهانه‌ای یافته تا یکسره تحریم‌ها را مسبب وضع موجود و فشار فزاینده اقتصادی معرفی کند. در حالی که بخش زیادی از وضع موجود نتیجه سیاست‌های حکومت در سی و چند سال اخیر و به ویژه دوران احمدی نژاد است. تبلیغاتی که میتواند برای جلوگیری از بسیج افکار عمومی علیه حکومت و سوق دادن آن به سمت خارج کاربرد داشته باشد.

هم چنین، در حالی که وضعیت اقتصادی رو به وخامت می‌گذارد،

نگرانی، بی‌افقی و ناامنی در جامعه شدت بیشتری می‌یابد. امری که امکان فعالیت‌های مدنی را کاهش می‌دهد. مردم در واقع نگران «مرغشان» هستند. در شرایطی که حتی ابتدایی‌ترین مایحتاج زندگی به دغدغه‌همگانی تبدیل می‌شود، امکان، فرصت و انگیزه اینکه نهاد‌های مدنی به تثبیت موقعیت خود بپردازند بسیار کمتر می‌شود. با تحریم‌های اقتصادی گسترده و تهدیدهای نظامی، حکومت هم رفتار پلیسی شدیدتری اتخاذ می‌کند. تحت این عنوان که در محاصره قرار داریم حلقه را تنگ‌تر می‌کند.

برای نمونه وضعیت جنبش زنان را در نظر بگیریم. وقتی همه جا دغدغه نان در میان باشد صدای این بخش از اجتماع در طرح خواست حقوق برابر به جایی نمی‌رسد. و خود فعالان این جنبش هم فرصت پرداختن به این امور را کمتر می‌یابند. وقتی فضای امنیتی و میلیتاریستی بر جامعه حکمفرما می‌شود نخستین قربانیان آن کنشگران جامعه مدنی خواهند بود.

### **به نظر شما در شرایط فعلی چه چیزی یا کسی به واقع تحریم می‌شود؟**

درویش‌پور: تحریم‌ها چند سویه هستند، بخشی از تحریم‌ها، یعنی تحریم‌های هوشمند، به باور من مثبت است. مثلاً وقتی اولیگارش‌های مالی سپاه مورد تحریم قرار می‌گیرند و یا فروش هر نوع اسلحه تحریم می‌شود و یا دارایی‌های سران حکومتی در بانک‌های بین‌المللی مسدود می‌گردد و... این قبیل تحریم‌ها سودمند هستند. من حتی از افزایش تحریم‌های هدف‌مند دفاع می‌کنم. اما زمانی که تحریم‌ها همه‌جانبه می‌شوند به گونه‌ای که دودشان به چشم مردم برود، و شرایط به سوی الگوی «عراق» برود، آن موقع به هیچ وجه توجیه پذیر نخواهند بود. اگر ما با تحریم‌های همه‌جانبه مخالفت می‌کنیم به دو دلیل اساسی است: گروهی در دفاع از تحریم‌های گسترده بر این باورند که «از هر اقدامی که یک روز زودتر این حکومت را برکنار کند باید دفاع کرد». به باور من اما اگر ما اعتراضی به وجود نظام حاکم بر ایران داریم به دلیل رنجی است که به مردم تحمیل می‌کند. و هر اقدامی که به این رنج بیفزاید از دید ما مردود است.

تحریم‌های گسترده تنها رنج مردم را دوچندان می‌کند. دوم اینکه تجربه عراق نشان داد که تحریم‌ها بخشی از یک برنامه کلی‌تر است که به تهاجم نظامی منجر خواهد شد و ناگفته پیداست که در صورت حمله نظامی بدترین اتفاق ممکن برای کنشگران جامعه مدنی روی خواهد داد.

اگر تحریم در سطح باقی می‌ماند یک مسئله بود. اما در واقع تحریم‌ها زمینه‌ساز حمله نظامی است. یعنی زمینه مشروعیت حمله نظامی را برای قدرت‌ها و به ویژه آمریکا فراهم می‌کند. اگر حکومت با تحریم گسترده اقتصادی و اداری به عقب نشینی نشود، گفته خواهد شد که ما از همه روش‌ها استفاده کردیم به نتیجه نرسید بنابراین حمله می‌کنیم. در نتیجه در شرایط تهدید و جنگ دیگر فضایی برای فعالیت‌های مردم و جامعه مدنی باقی نخواهد ماند. من سخت نگرانم با حمله نظامی جامعه بیش از آنچه که اکنون هست به عقب برود. در یک جنگ محدود فقط بمباران مراکز نظامی مد نظر است و اتفاقاً این همان چیزی است که باعث مشروعیت حکومت در داخل کشور و بسیج مردم خواهد شد. و اما در یک حمله همه جانبه برای سرنگونی حکومت دیگر «نه از تاک نشانی می‌ماند نه از تاکستان». اگر چنین حمله‌ای علیه ایران صورت بگیرد، احتمال آن که با یک جنگ گسترده و تمام عیار روبرو گردیم کم نیست و ابعاد آن گسترده تر از همه موارد مشابه همچون سوریه، لیبی، عراق و افغانستان خواهد بود. در صورت بروز جنگ، حکومت سرکوب مخالفان را توجیه می‌کند و اساساً جنگ برای حرکت‌های مدنی، اجتماعی و نهادسازی‌های مستقل حکم زهر را دارد. مثلاً در جنگ ایران و عراق دیدیم که این جنگ باعث گسترش فضای امنیتی و پلیسی در کشور شد و نیروهای منتقد و مخالف در داخل به بهانه همسویی با دشمن سرکوب شدند. همه چیز متوقف شد و فعالیت‌های مردمی و مدنی به محاق فرورفت. بنابراین تأکید می‌کنم اگر امروز به ایران حمله شود شرایط صددرصد بدتر خواهد شد. به هر صورت این تحریم‌ها زمینه‌ساز از بین رفتن فعالیت‌های مردمی هستند. ممکن است گفته شود که حکومت همین امروز هم جلو همه فعالیت‌ها را می‌گیرد. خوب آن درست است ولی این مسائل برای ما مهم‌اند، ولی برای غرب مسأله حقوق بشر نیست. آن‌ها به فکر مسائل خودشان هستند. ولی امکان فشارهای سیاسی بیشتری وجود دارد. من بر این باور نیستم که جهان غرب یا افکار جهانی در برابر سرکوب‌های جمهوری اسلامی یا باید سکوت کنند یا به تهدید نظامی متوسل شوند. مسئله این جا است که برای جامعه غرب مسئله اصلی برنامه اتمی ایران است.

من همیشه با تحریم‌های گسترده مخالف بوده و این مسئله از دو زاویه جای بحث دارد. بعضی معتقدند که تحریم‌ها را باید بیشتر کرد تا این حکومت ساقط شود. نگاه دوم که من مدافع آن هستم بر این موضوع تأکید دارد که باید جلوی هر اقدامی که فشار را بر مردم افزایش دهد، ایستاد. چون خود این حکومت فشار اصلی بر مردم است و با تحریم‌ها باز هم مردم مجازات خواهند شد.

برای ما مسئله اصلی حقوق بشر است. برای کسانی که از منظر حقوق مدنی، رفاه اجتماعی، دموکراسی و حقوق شهروندی به ایران نگاه می کنند، ضرورتاً «این همانی» بین این دو خواست وجود ندارد. هرگونه فشار بین المللی تنها از آنرو که حکومت را تضعیف می کند لزوماً با انگیزه و پیامد دموکراتیک همراه نیست. برای من حمله نظامی و تحریم های همه جانبه ای که دودش در چشم مردم برود، خط قرمز است.

**نقش ایرانیان خارج از کشور (دیاسپورای ایرانی)، سازمان های مردم نهاد و جنبش های طرفدار حقوق بشر خارج از کشور در این میان چه می تواند باشد؟**

درویش پور: تلاش دیاسپورای ایرانی در راستای اتحاد در جامعه ایرانی و تشدید حرکت های دفاع از حقوق بشر در سال های اخیر مثبت بوده است. در عین حال در کنار این حرکت ها، تلاش هایی توسط بخش هایی از دیاسپورای ایرانی برای تشکیل دولت در سایه و نزدیکی به محافل قدرت خارجی با هدف نقش داشتن در آینده سیاسی ایران را چندان به سود جامعه مدنی ایران نمی دانم. من نگران آنم که نهایت آن به نوع ملایم تری از «چلبیسم» ختم شود. فراموش نکنید که چلبی پای آمریکا را به عراق کشاند و حمله نظامی به عراق به سود این کشور، منطقه و خود آمریکا نبود. و طنز تاریخ در آن است که علاوه بر از هم پاشیدن شیرازه جامعه عراق و سوق دادن آن به نوعی جنگ داخلی، نفوذ جمهوری اسلامی را هم در عراق تقویت کرد!

اکثریت ایرانیان خارج درحالت سرخوردگی و بلاتکلیفی بسر می برند. خیلی نگران و تماشا کننده منفعل و ناظر صحنه هستند. البته آن ها متأثر از مبارزات مردم در داخل کشورند.

من شخصاً به برآمد خیزش های اجتماعی در ایران امید بسته ام. به گمان من هم چنان بخش عمده ای از دیاسپورای ایرانیان در خارج، منتظر احیای یک جنبش اجتماعی نیرومند در داخل کشورند که در جهت پشتیبانی از آن اقدام کنند و یا در راستای تقویت حرکت های حقوق بشری موجود فعالیت میکنند. این دیاسپورا باید پیش از چیز از طریق اعمال فشار و عمل به عنوان نیروی لابی حقوق بشری ایفای نقش کند؛ به گونه ای که واکنش کشورهای غربی نسبت به نقض حقوق بشر در ایران بیشتر شود. و از حرکت های مسالمت آمیز مردم در درون کشور حمایت بیشتری به عمل آورند، این یکی از وظایف دیاسپورای ایرانی است که می بایست شتاب بیشتری بیابد. دوم تشکیل کنفرانس ها و گردهمایی ها زنجیره ای به قصد نزدیکی بیشتر اپوزیسیون ایرانی و محافل حقوق

بشری در خارج با تاکید بر پیوند با حرکت های داخل کشور است.

سوم، گشودن و تقویت جبهه سومی که نه در پی اصلاح جمهوری اسلامی از درون و نه براندازی آن از طریق حمله نظامی است، بلکه با سازمان دادن نهادهای مدنی پشتیبانی از خیزش های اجتماعی در ایران را آماج فعالیت های خود قرار دهد. و با تلاش برای فراگیر کردن شعار انتخابات آزاد، در پی محاصره دولت سیاسی توسط جامعه مدنی برای فراهم کردن زمینه های گذار مسالمت آمیز از نظام موجود به سوی دموکراسی است. تاکید می کنم، یک انتخابات واقعا آزاد در گرو تغییر قانون اساسی کشور است که بر تئوکراسی دینی و تبعیض استوار است.